

مساحت ۶۴۹۰۰۰ کیلومتر مربع که حدود ۵۸۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. این کشور از شمال با جمهوری‌های تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان و از شرق و جنوب با پاکستان و از شمال شرقی از راه تنگه واکان با چین همسایه است و از مغرب نزدیک به ۹۰۰ کیلومتر با جمهوری اسلامی ایران مرز مشترک دارد.<sup>۱</sup> این کشور که پایتختش شهر کابل است، به ۳۴ ولایت تقسیم می‌شود.<sup>۲</sup> (تصویر شماره ۱)

◀ **پیشینه تاریخی:** تاریخ افغانستان از روزگار کهن تا سده هجدهم م. با تاریخ کشورهای همسایه به ویژه ایران همسان است؛ زیرا در هزاره دوم و اول ق.م. این سرزمین زیر تسلط اقوام ایرانی بود و تا سده چهارم ق.م. که داریوش سوم از اسکندر مقدونی شکست خورد، همچنان بخشی از قلمرو ایران به شمار می‌رفت. پس از این، افغانستان در تصرف اقوام و گروه‌های گوناگونی چون مغول‌ها، ترک‌ها و چینی‌ها بود تا دیگر بار در آغاز دوره اسلامی زیر نفوذ فرمانروایان ایرانی چون طاهریان، صفاریان، سامانیان و غزنویان درآمد. سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانیان، تیموریان و افشاریان از دیگر حکومت‌های مهمی بودند که پس از غزنویان بر منطقه

الاسب، ۱۴۳۱ق؛ جهانگشای نادری: میرزا مهدی خان استرآبادی، به کوشش عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷ش؛ دره نادره تاریخ عصر نادر شاه: میرزا مهدی خان استرآبادی، سید جعفر شهیدی، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۴ش؛ سفرنامه منظوم حج: بانویی اصفهانی (م.قرن ۱۲)، به کوشش رسول جعفریان، مشعر، ۱۳۷۴ش؛ عالم‌آرای نادری: محمد کاظم مروی، به کوشش ریاحی، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۴ش؛ فارسنامه ناصری: حاج میرزا احسن فسایی، به کوشش منصور فسایی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۳ش؛ الفوائد الصوفیه: ابوالحسن قزوینی، به کوشش احمدی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷ش؛ لمحات اجتماعیه من تاریخ العراق: علی الوردی، قم، الرضی، ۱۳۷۱ش؛ مجمع التواریخ: محمد خلیل المرعشی الصفوی، به کوشش آشتیانی، تهران، کتابخانه طهوری و سنایی، ۱۳۶۲ش؛ المدینة المنورة فی رحلة العیاشی: به کوشش محمد محزون، کویت، دار الازقم، ۱۴۰۸ق؛ مصباح الحرمین: عبدالجبار الشکوئی (م.قرن ۱۴)، به کوشش طباطبایی، مشعر، ۱۳۸۴ش؛ نادر شاه و بازماندگانش: عبدالحسین نوایی، تهران، زرین، ۱۳۶۸ش.

ابوالفضل ربانی



## افغانستان: کشوری مسلمان در غرب

### آسیا

بسیاری از مسلمانان افغانستان، خواه شیعه و خواه سنی، سالانه در قالب کاروان‌های دولتی و خصوصی به حج می‌روند.

افغانستان سرزمینی است کوهستانی با

۱. افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، ص ۳-۴؛ افغانستان، ص ۳.  
 ۲. جغرافیای سیاسی جهان اسلام، ص ۱۲۰؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۵۲۸-۵۲۹؛ www.cia.gov.

افغانستان حکم راندند.<sup>۱</sup>

مرکز حکومت دو سلسله غزنوی (حک: ۳۵۲-۵۸۲ق.) و تیموری (حک: ۷۸۲-۹۱۱ق.) شهرهای غزنین و هرات بود که در ناحیه افغانستان قرار داشت. بدین رو، این دو دوره را می‌توان از دوره‌های مهم تاریخ افغانستان برشمرد.<sup>۲</sup>

آغاز پادشاهی احمد شاه ابدالی به سال ۱۷۴۴م. آغاز تاریخ مستقل افغانستان است. سپس افغانستان زیر سلطه دو امپراطوری بریتانیا و روسیه قرار گرفت. به سال ۱۹۹۲م. نیروی مجاهدین که متشکل از گروه‌های گوناگون اسلامی بود، شکل گرفت و رژیم کمونیستی را شکست داد. البته مجاهدین نتوانستند دولت ملی برپا سازند و طالبان که از حمایت پاکستان سود می‌برد، جای آن‌ها را گرفت. رژیم طالبان با حمله ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا از هم پاشید. از سال ۲۰۰۱م. و پس از کنفرانس بن، بر اثر توافق گروه‌های افغان، دولت موقت روی کار آمد و سرانجام به سال ۲۰۰۴م. حکومت جمهوری اسلامی شکل گرفت.<sup>۳</sup>

### ◀ جمعیت اقوام و مذاهب: با توجه به

ده‌ها سال نبرد و ناامنی، آماری رسمی و دقیق از جمعیت افغانستان در دست نیست و تا کنون دولت مرکزی نتوانسته آمارگیری رسمی انجام دهد. مطابق برآوردهای مقام‌های داخلی و بین‌المللی، این کشور به سال ۲۰۱۱م. دارای ۲۹۸۳۵۳۹۲ نفر جمعیت بوده که بسیاری از آنان مهاجران ساکن در کشورهای همسایه چون ایران و پاکستان هستند.<sup>۴</sup>

عمده‌ترین گروه قومی که بیش از نیمی از جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، پشتون‌ها هستند. تاجیک‌ها حدود ۳۰٪ از جمعیت این کشور را در بر می‌گیرند و بیشتر در سرزمین‌های شمالی افغانستان در کابل، هرات و بدخشان زندگی می‌کنند و بیشینه آن‌ها فارسی زبان هستند. ترکمن‌ها و مغول‌های هزاره که از اعقاب چنگیز خان به شمار می‌روند، سومین گروه بزرگ نژادی افغانستان به حساب می‌آیند و در منطقه بامیان زندگی می‌کنند.<sup>۵</sup> فارسی دری و پشتو زبان‌های رسمی کشور افغانستان هستند.<sup>۶</sup>

قبل از ظهور اسلام، دین بودایی در افغانستان رواج داشته است. با پیشروی اسلام و تشکیل حکومت‌های اسلامی در منطقه و

۴. مبانی مطالعات سیاسی اجتماعی، ص ۲۵۴؛ www.world

www.cia.gov atlas.com

۵. جهان اسلام، ج ۱، ص ۶۸ افغانستان، ص ۱۴-۲۰.

۶. جهان اسلام، ج ۱، ص ۷۰.

۱. نک: جهان اسلام، ج ۱، ص ۷۲-۷۵؛ نک: افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، ص ۶-۱۱.

۲. افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، ص ۶ جهان اسلام، ج ۱، ص ۷۲-۷۵.

۳. نک: افغانستان، ص ۱۲۵-۱۹۲.

و نسل او را برامکه می‌نامیدند. در دوران عثمان بن عفان، آتشکده نوبهار ویران گشت و برامکه مسلمان شدند.<sup>۶</sup>

شماری از مردم افغانستان از همان آغاز سده نخست ق. پس از زیارت خانه خدا، به مدینه می‌رفتند و ضمن زیارت مرقد مطهر نبوی، خدمت امامان معصوم علیهم‌السلام شتافته، از امام آن دوره بهره می‌گرفتند. روایت‌های گوناگون تاریخی، شرفیابی حاجیان بلخ را به محضر امام زین العابدین علیه‌السلام و امامان پس از وی نشان می‌دهد. حاجیان یاد شده، درباره مسائل گوناگون اعتقادی، فقهی و حدیثی و رخدادهای روز از محضر امامان علیهم‌السلام سؤال می‌کردند و با خود سؤال‌ها، نامه‌ها، پیغام‌ها و وجوهات مردم منطقه را همراه داشتند.<sup>۷</sup>

گزارش‌هایی از فرستادن هدایا به مکه چون پرده کعبه به فرمان سلطان محمود غزنوی و شاهرخ تیموری و دیگر حکمرانان، در منابع تاریخی مکه و مدینه در دست است. اینان حکمرانان ایران به شمار می‌آمدند و در شماری از منابع، حکمرانان شرق خوانده شده‌اند؛<sup>۸</sup> اما مرکز حکومت آن‌ها در ناحیه افغانستان کنونی قرار داشت. هدایای تخت

افغانستان، دین بودایی به تدریج پیروان خود را از دست داده است.<sup>۱</sup> بر پایه سخن مشهور، دین اسلام در سده اول ق. به دست خالد بن ولید به این سرزمین راه یافت.<sup>۲</sup>

دین ۹۸٪ مردم افغانستان اسلام است. از این میان، نزدیک به ۷۰٪ اهل سنتند که بیشترشان مذهب حنفی دارند و بیش از ۲۵٪ نیز شیعه اثنی عشری‌اند.<sup>۳</sup> بیشینه شیعه را قوم هزاره‌ها تشکیل می‌دهند که در مناطق مرکزی افغانستان سکونت دارند و مرکز آنان شهر بارسان است.<sup>۴</sup> تشیع همچنان در میان قزل‌باش‌ها، ترکمن‌ها، تاجیک‌ها و حتی پشتون‌ها پیروانی دارد. اقلیتی اندک نیز دارای مذهب اسماعیلی هستند.<sup>۵</sup>

#### ◀ تاریخچه حج‌گزاری افغانستان: پیش

از ظهور اسلام در منطقه بلخ افغانستان، بت‌پرستان افغان برای رقابت با خانه کعبه، آتشکده یا معبدی را در نوبهار بلخ ساخته بودند که پیرامون آن ۳۶۰ مقصوره بود و خادمان و کارگزاران در آن‌ها زندگی می‌کردند. در منابع تاریخی مکه، از این بنا به نام کعبه یاد شده که پیرامون آن به طواف مشغول بوده‌اند. رئیس موبدان آن‌جا را برمک

۱. افغانستان، ص ۲۹.

۲. جهان اسلام، ج ۱، ص ۷۰.

۳. شیعیان افغانستان، ص ۹۵؛ آسیا شناسایی کشورها، ص ۲۹.

۴. افغانستان، ص ۲۹.

۵. افغانستان، ص ۲۹.

۶. منابع الکریم، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۵؛ دانشنامه ایران باستان، ج ۳، ص ۱۴۳۳.

۷. نک: مصباح الحرمین، ص ۳۹۷؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۴۷.

۸. تاریخ الکعبة المعظمه، ص ۲۵۸-۲۶۰؛ افاده الانام، ج ۱، ص ۴۴۸.

نگاشته است. این کتاب که در بیان مکان‌های ناشناخته مدینه است، در شمار منقولات به شمار می‌رود و بخشی از آن باقی نمانده است.<sup>۵</sup>

فريضة حج و جاينگاه بيت الله الحرام در نخستين آثار بر جای مانده فارسی آن سرزمین که به سده پنجم ق. بازمی‌گردد، به گونه درخور بازتاب یافته است. ناصر خسرو بلخی (م. ۴۸۱ق.) در سفرنامه خویش که از نخستین سفرنامه‌های فارسی به شمار می‌رود، پس از رسیدن به مکه و زیارت بیت الله الحرام در سفری هفت ماهه از بلخ به شام و پس از بازدید و مدتی اقامت در دربار فاطمیان مصر، به وصف کعبه پرداخته است. او تصاویری زنده از گرمای سخت شهر مکه و مشکلات حاجیان و وضعیت جغرافیایی شهر به دست می‌دهد و از مسافرخانه‌ها و محل اقامت ویژه مردم افغانستان و دیگر نقاط با نام سراهای مردم سرزمین‌های خراسان یاد می‌کند و ۲۵٪ از ساکنان مکه را غیر بومی می‌شمارد که از آن جمله مردم افغانستان هستند.<sup>۶</sup>

نامبرده در دیوان اشعارش قصیده بلندی را به فريضة حج اختصاص داده و در قالب داستان و گفت‌وگوی حکیم با دوست حج گزارش، به مهم‌ترین رموز و فلسفه حج

۵. هدیه العارفين، ج ۱، ص ۶۴۶؛ ایضاح المکتون، ج ۲، ص ۲۷۱.

۶. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۹۷-۱۰۰.

پادشاهی به مکه به فرمان کابل شاه، پادشاه افغانستان، در روزگار مأمون، از دیگر گزارش‌های تاریخی در این زمینه است.<sup>۱</sup>

در منابع تاریخی، شماری از گزارش‌های کوتاه از حاجیان افغان در مکه دیده می‌شود که از آن جمله، ضربه زدن حاجی افغان به حجرالاسود و کندن قطعه‌ای از آن است که بدین سبب، به دست دولت سعودی اعدام شد.<sup>۲</sup>

#### ◀ جایگاه حج و مکه در میراث مکتوب

**افغانستان:** ابوزید احمد بن سهل بلخی (م. ۳۲۲ق.) از نویسندگان و دانشمندان افغان است که درباره مکه کتابی با نام *فصل مکه علی سائر البقاع* نوشته است.<sup>۳</sup> علی بن سلطان محمد قاری (م. ۱۰۱۴ق.) محدث، فقیه و تاریخ‌نگار افغان از مجاوران مکه بود، چندین اثر در فقه و اسرار حج نگاشت و *اعلام بفضائل بیت الله الحرام* نیز از آثار تاریخی علی بن سلطان است که در تاریخ محلی مکه نگاشته شده است.<sup>۴</sup> عبدالله ابوسعید وراق (م. ۲۷۴ق.) از دیگر نویسندگان افغان است که در اصل بلخی بوده و کتابی درباره مدینه

۱. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. فی رحاب البيت العتيق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ تاریخ الکعبة المعظمه، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۳. هدیه العارفين، ج ۱، ص ۵۹؛ الاعلام، ج ۱، ص ۱۳۴؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۴۰۸، «بلخی».

۴. ایضاح المکتون، ج ۱، ص ۱۴۳؛ هدیه العارفين، ج ۱، ص ۷۵۱.

خاندان با اصالت افغانی، از امامان جماعت مقام حنفی و خطیبان مسجد بودند که به گفته سباعی به دو بخش تقسیم می‌شوند. شیخ عبدالله ابوالخیر از چهره‌های مشهور این خاندان است که کتابی با نام *نشر النور و الزهر* در تراجم نگاشته است. از دیگر افراد شناخته شده این خاندان، عبدالرحمن بن صالح، عبد العزیز بن صالح، عبدالله بن عبدالرحمن و احمد بن عبدالله ابوالخیر است.<sup>۵</sup>

◀ **راه‌های حج افغانستان:** دو مسیر عمده برای حاجیان افغان یاد شده است. در مسیر نخست که با حاجیان پاکستان مشترک بود، به شبه قاره می‌رفتند و سپس از راه بندر کراچی یا بمبئی از طریق دریای عمان و خلیج عدن به دریای سرخ رفته، در بندر جدده پیاده می‌شدند.<sup>۶</sup> تا پیش از راه افتادن سفر دریایی به حج از راه این دو بندر، افغانستان، خود، در مسیر حاجیان شرق آسیا چون بنگلادش، پاکستان و هندوستان قرار داشت.<sup>۷</sup>

مسیر دوم سراسر زمینی بود. در این مسیر، حاجیان از راه ایران به عراق رفته، از آن جا به مکه مشرف می‌شدند. حاجیان افغان راه‌هایی گوناگون را برای رسیدن به عراق

پرداخته و نکات بسیار مهم عرفانی و دینی را درباره اعمال حج یادآور شده است. این قصیده مقدمه‌ای دارد که در آن به اهمیت حج و جایگاه والای حاجیان در افغانستان اشاره دارد.<sup>۱</sup>

ابوالمجد سنایی غزنوی (م. ۵۴۵ق.) یکی دیگر از ادیبان افغانی در جای جای دیوان اشعارش درباره مقام والای کعبه و اهمیت مراسم حج و لزوم آن و توجه به ذات احدیت و داشتن اخلاص در انجام فریضه حج اشاره کرده است.<sup>۲</sup> عبدالرحمن جامی هروی نیز به سال ۸۷۷ق. به حج مشرف شد و رساله‌ای در زمینه حج نگاشت. وی در کتاب *تحفة الاحرار* در ضمن ابیاتی به حج اشاره دارد.<sup>۳</sup>

ابوذر هروی (م. ۴۳۴ق.) یکی از محدثان و دانشوران هرات ۳۰ سال در مکه اقامت داشت و در این مدت در سرای بنی‌شبابه در حومه شهر ساکن شد و هر سال در موسم حج به شهر می‌آمد. وی کلام اشعری را که در بغداد آموخته بود، در مکه انتشار داد.<sup>۴</sup>

یکی از خاندان‌های بزرگ مکه، خاندان مرداد است که جدّ اعلای آنان از مهاجران افغان بود و به امیرداد شهرت داشت. این

۱. دیوان ناصر خسرو، ص ۳۰۰.

۲. میقات حج، ش ۱۶، ص ۱۳۱-۱۲۸، «حج در ادب فارسی».

۳. میقات حج، ش ۳، ص ۲۱۶، «اشارت به زیارت بیت الله».

۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۵۵۷؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی،

ج ۵، ص ۴۸۰.

۵. تاریخ مکه، ص ۶۸۱.

۶. الرحلة السرية للعقید الروس، ص ۳۰۰-۳۰۱؛ پنجاه سفرنامه،

ج ۵، ص ۱۷۲؛ تاریخ الحج، ص ۷۳.

۷. طرق الحج، ص ۵۴، ۶۸.

شماری از افغانیان که به قصد حجاز از بخارا وارد استانبول می‌شدند، به دلیل کمبود مالی از ادامه سفر بازمی‌ماندند و دولت عثمانی به بازگشت این حاجیان در راه مانده کمک می‌کرد.<sup>۴</sup> در شماری از اسناد عثمانی، به پرداخت هزینه سفر کشتی شاهزاده‌های افغان، از جمله نورالدین خان، از جانب دولت عثمانی اشاره شده است.<sup>۵</sup>

شمار حاجیان افغان در سفرنامه فراهانی حدود ۲۰۰ تا ۶۰۰ تن یاد شده است. حاجیان افغان تبعه امیر افغانستان بودند و کنسولگری نداشتند و بدین سبب کارهای اداری‌شان به دست کنسولگری انگلیس انجام می‌شد. به گفته فراهانی، حاجیان افغان مبلغی بابت تذکره نمی‌دادند و مذهبشان حنفی، حنبلی و شافعی بود و شیعه به ندرت در میانشان یافت می‌شد. این حاجیان همیشه سلاح داشتند و در مذهبشان بسیار تعصب می‌ورزیدند.<sup>۶</sup> به سال ۱۸۹۸م. شماره حاجیان این کشور ۲۰ نفر یاد شده است.<sup>۷</sup>

◀ **حج معاصر افغانستان:** با آغاز ترابری هوایی در افغانستان، فرودگاه‌های کابل و

برمی‌گزیدند. شماری ابتدا به مشهد رفته، از راه شهرهای نیشابور، شاهرود، تهران، و همدان وارد عراق می‌شدند و پس از دو روز به بصره می‌رسیدند. سپس به کویت رفته، از آنجا وارد سرزمین عربستان می‌شدند و با گذر از دمام، به ریاض و طائف می‌رسیدند و از آنجا به مکه می‌رفتند. این راه به دلیل طولانی بودن و مشکلات بسیار همچون سرمای سخت و برف در شماری از مناطق، کمتر استفاده می‌شد.<sup>۱</sup>

در سفرنامه ناصر خسرو آمده که وی از ایران به شرق ترکیه و از آنجا به شام و مصر رفته و سپس به مکه رسیده و حج گزارده است و بیشتر راه را با پای پیاده همراه برادر و خدمتکارانش پیموده است.<sup>۲</sup>

در سده‌های دوازدهم و سیزدهم ق. شماری از حاجیان افغانی همراه با حاجیان شرق ایران از راه استانبول به حج رهسپار می‌شدند. حاجیان در این مسیر از یکی از بنادر شرق دریای خزر با گذر از عرض دریا به بندر بادکوبه می‌رفتند و از آنجا از راه زمینی به باطوم یا یکی از بندرهای دریای سیاه راهی می‌شدند و از راه دریا به استانبول می‌رفتند. در ادامه مسیر، با رفتن به مصر یا بیروت، با سفر دریایی در دریای سرخ به جده می‌رسیدند.<sup>۳</sup>

۱. تاریخ الحج، ص ۷۳-۷۵.

۲. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۳-۵۱.

۳. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۵۵۷-۵۶۷.

۴. میقات حج، ش ۵۵، ص ۲۰۰، «حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها».

۵. میقات حج، ش ۵۴، ص ۲۰۱، «حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها».

۶. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۱۷۳.

۷. الرحلة السرية للعقيد الروس، ص ۲۰۴.

حج مشخص می‌گردند.<sup>۴</sup> کاروان‌های حج به دو صورت دولتی و خصوصی اعزام می‌شوند. کاروان‌های دولتی فقط به اعزام و اسکان زائران توجه دارند و تغذیه و درمان آنان را بر عهده ندارند. شماری از شرکت‌های خصوصی با دریافت مبلغی بیشتر، غذا و درمان حاجیان را نیز تأمین می‌کنند. در سال ۱۳۸۹ش. مبلغ دریافتی کاروان‌های دولتی ۲۸۲۵ دلار تعیین شده بود که شامل هزینه‌های بلیط، عوارض خروج، خدمات بعثه، تهیه پاسپورت و هزینه مسکن در مکه و مدینه می‌شد. بر پایه قانون همان سال، افراد که در صورتی که همراه نداشته باشند و همچنین افراد میان شش تا ۱۸ سال از اعزام به حج بازداشته شده‌اند.<sup>۵</sup>

وزارت حج و اوقاف، خواستاران حج را در قالب کاروان‌های ۲۰۰ نفری دسته‌بندی می‌کند و برای آنان مرشد و مدیر می‌گمارد. این افراد دارای شرایط ویژه هستند و پس از ثبت نام و احراز این شرایط می‌توانند مدیریت و ارشاد کاروان‌ها را برعهده گیرند.<sup>۶</sup> در سال‌های گذشته، مکانی برای حاجیان افغانی به نام رباط افغان‌ها در نزدیکی مسجدالحرام قرار داشت که حاجیان از اتاق‌های آن استفاده می‌کردند. در چند سال اخیر، این مکان به

قندهار برای انتقال حاجیان به کار گرفته شد<sup>۱</sup> و در سال‌های اخیر، فرودگاه مزار شریف (مرکز ولایت بلخ) و هرات نیز به آن‌ها افزوده شده است.<sup>۲</sup>

حج‌گزاری مردم افغانستان از انسجام و برنامه‌ریزی مناسب برخوردار نیست. در دورانی که افغانستان درگیر انقلاب اسلامی و سپس جنگ‌های خونین داخلی بود، موج گسترده‌ای از مهاجرت به کشورهای همسایه و جهان پدید آمد و انجام فریضه حج به دلیل ناامنی و نبود کمک مالی و فقدان حاکمیت مرکزی، از رونق افتاد و شماری از مهاجران که در کشورهای دیگر به ویژه پاکستان و جمهوری اسلامی ایران به سر می‌بردند، از راه این کشورها به حج مشرف می‌شدند.<sup>۳</sup>

پس از فروپاشی حکومت طالبان به سال ۱۳۸۰ش. و تشکیل دولت جدید، تحولی در حج‌گزاری مردم افغانستان پدید آمد. وزارت ارشاد حج و اوقاف آن کشور هر سال از افراد ثبت نام می‌نماید. حاجیان برای ثبت نام به ریاست ولایتی ارشاد حج و اوقاف افغانستان مراجعه می‌کنند. پس از اتمام مراحل ثبت نام، مراسم قرعه‌کشی در یکی از مساجد بزرگ شهر صورت می‌گیرد و افراد برای اعزام به

۴. اطلاعیه وزارت ارشاد و حج افغانستان، ص ۱.

۵. اطلاعیه وزارت ارشاد و حج افغانستان، ص ۱.

۶. اطلاعیه وزارت ارشاد و حج افغانستان، ص ۲؛ حج در افغانستان، ص ۷.

۱. حج در افغانستان، ص ۶.

۲. حج در افغانستان، ص ۳؛ [www.avapress.com](http://www.avapress.com).

۳. تاریخ تشیع در افغانستان، ص ۱۶۷.

دست دولت عربستان تعطیل و ویران گردید.<sup>۱</sup> خواستاران حج در افغانستان به دو دسته شیعه و سنی تقسیم می‌شوند و هر دسته مرشدان یا روحانیان ویژه خود را دارد. البته نبود کاروان‌های خاص شیعیان، یکی از مشکلات حاجیان شیعی یاد شده است.<sup>۲</sup> اهل سنت بیشتر از فرودگاه‌های افغانستان احرام می‌بندند و شیعیان افغانستان مانند دیگر شیعیان جهان، از میقات‌های داخلی عربستان محرم می‌شوند. در هنگام زیارت آنان از مکان‌های مقدس مکه و مدینه مانند قبرستان بقیع، کوه احد، غار حرا، غار ثور و جز آن‌ها، کارشناسان و مرشدان دو مذهب به معرفی و بازگویی رخدادهای اسلامی آن مکان‌ها می‌پردازند. گاه گزارش شده که وزارت اوقاف افغانستان در کار اعزام شیعیان اخلاص می‌کند. به سال ۱۳۸۲ش. از ۲۷ هزار حاجی اعزامی فقط سه هزار تن شیعه بودند.<sup>۳</sup> تا سال‌های دهه ۱۳۴۰ش. شمار حاجیان افغانستان از ۵۰۰۰ نفر بیشتر نبود. در سال‌های اخیر، شمار آنان به حدود ۳۵ هزار تن رسیده که روزانه ۱۰۰۰ تن از آنان از سوی دو شرکت هواپیمایی به حج اعزام می‌شوند.<sup>۴</sup>

◀ **آداب و رسوم پیش و پس از سفر حج:** افرادی که توفیق این عمل معنوی را می‌یابند، به تدریج آمادگی روحی لازم را به دست می‌آورند؛ بدین معنی که برای انجام دیگر واجبات به ویژه ادای نمازهای روزانه و پرداخت وجوهات شرعی، دقت بیشتر می‌ورزند و با خانواده و زیردستان و همکاران و همسایگان رفتار نیک و اخلاق پسندیده‌تر از گذشته در پیش می‌گیرند و به دیدار بستگان رفته، از دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبند. در آستانه سفر حج، نزد روحانی محل می‌روند و وجوهات شرعی خود را حسابرسی می‌کنند و بیش از هر وقت به توبه و انابه اهتمام می‌ورزند. در شماری از نقاط افغانستان، اقوام و دوستان حاجی، او و خانواده‌اش را برای شام یا نهار دعوت می‌نمایند و به صورت ویژه خداحافظی می‌کنند.<sup>۵</sup> حاجی برای بیشتر استقبال کنندگان تسبیح و آب زمزم سوغات می‌آورد و لباس و کلاه سفید می‌پوشد و با عنوان «حاجی» یا «حاجی صاحب» شناخته می‌شود. حاجی پس از دستیابی به توفیق حج، خود را مکلف می‌داند که اخلاق و آداب مذهبی را بیش از پیش رعایت کند. انتظار مردم نیز از او بیشتر می‌شود و بر نفوذ اجتماعی‌اش افزوده می‌شود و خیرخواهی و دینداری بیشتری نشان می‌دهد.<sup>۶</sup>

۱. حج در افغانستان، ص ۸.

۲. با کاروان صفا در سال ۸۲، ص ۲۰۹.

۳. با کاروان صفا در سال ۸۲، ص ۱۴۳.

۴. حج در افغانستان، ص ۶: www.avapress.com

۵. حج در افغانستان، ص ۹.

۶. تاریخ الحج، ص ۷۵. حج در افغانستان، ص ۴، ۱۰.



البغدادی (م. ۱۳۳۹ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ با کاروان صفا: رسول جعفریان، مشعر، ۱۳۸۳ش؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ پنجاه سفرنامه حج قاجاری: به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ش؛ تاریخ تشیع در افغانستان: عبدالمجید ناصر داودی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۶۸ش؛ تاریخ الحج من خلال الحجاج المعمرین: سلیمان عبدالغنی مالکی، سعد الدین اونال، مکه، جامعة ام القرى، ۱۴۰۹ق؛ تاریخ الکعبة المعظمة: حسین عبدالله باسلامه، جدّه، تهامه، ۱۴۰۲ق؛ تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه: احمد السباعی (م. ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ جغرافیای سیاسی جهان اسلام: عزت الله عزتی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۸ش؛ جهان اسلام: مرتضی اسعدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶ش؛ حج در افغانستان: مولوی افغانستانی، قم، مرکز تحقیقات حج، ۱۳۸۹ش؛ دانشنامه ایران باستان: هاشم رضی، تهران، سخن، ۱۳۸۱ش؛ دائرة المعارف تشیع: زیر نظر سید جوادی و دیگران، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵ش؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۷۲ش؛ دیوان ناصر خسرو: ناصر خسرو (م. ۴۸۱ق.)، به کوشش مینوی و محقق، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ش؛ الرحلة السریة للعقید الروسي: عبدالعزیز دولتشین، بیروت، الدار العربیة للموسوعات، ۱۴۲۸ق؛ سفرنامه ناصر خسرو: ناصر خسرو (م. ۴۸۱ق.)، به کوشش غنی زاده، تهران، ۱۳۶۳ش؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ شیعیان افغانستان: محمد عزیز بختیاری، شیعه شناسی،

نوشتن خاطرات یا سفرنامه حج از گذشته در این کشور مرسوم بوده است. آن دسته از حاجیان که دستی به قلم داشته‌اند، در میان سفر یا پس از آن، خاطرات خود را نوشته و جزئیات این سفر معنوی را ماندگار کرده و آن را در دسترس همگان نهاده‌اند. گاه که حاجی طبع شعر دارد، این مطالب را در قالب نظم ارائه می‌کند. برخی افراد، به ویژه شماری از عالمان دینی، نیز اعمال و مناسک حج را برای آموزش به دیگران، در قالب نظم در آورده، به خواستاران عرضه می‌کنند.<sup>۱</sup>

#### ◀ منابع

آسیا، شناسایی کشورها: فرامرز یاری، تهران، گیتاشناسی، ۱۳۷۲ش؛ اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبه الثقافه، ۱۴۱۵ق؛ اطلاعیه نام‌نویسی حج: وزارت ارشاد حج و اوقاف افغانستان، تابستان ۱۳۸۹ش؛ الاعلام: الزرکلی (م. ۳۹۶ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۷م؛ افاده الانام: عبدالله بن محمد الغازی (م. ۳۶۵ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۳۰ق؛ افغانستان در پنج قرن اخیر: میر محمد صدیق فرهنگ، قم، انتشارات محمد وفایی، ۱۳۷۴ش؛ افغانستان: علی‌رضا علی‌آبادی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲ش؛ افغانستان و مداخلات خارجی: میرآقا حق‌جو، قم، انتشارات مجلسی، ۱۳۸۰ش؛ ایضاح المکنون: اسماعیل پاشا

۱. حج در افغانستان، ص ۴.

۱۳۸۵ش؛ طرق الحج الاسیویه: منشورات المنظمة الاسلامية للتربية و العلوم و الثقافة، ایسیسکو، مالیزیا، ۱۴۳۱ق؛ فی رحاب بیت العتیق: محیی الدین احمد امام، الاندلس، دار قرطبه؛ مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی: محمد رضا حافظنیا، قم، مرکز تدوین متون، ۱۳۷۹ش؛ مصباح الحرمین: عبدالجبار الشکوئی (م. قرن ۱۴)، به کوشش طباطبایی، مشعر، ۱۳۸۴ش؛ منائح الکریم: علی بن تاج الدین السنجاری (م. ۱۲۵ق.)، به کوشش المصری، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۱۹ق؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ هدیه العارفین: اسماعیل پاشا (م. ۱۳۳۹ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

عبدالمجید ناصری داودی - گروه حج گزاری



## افک: رخدادی در آغاز اسلام با نسبت

### ناروا به عایشه یا ماریه

افک به معنای برگرداندن و وارونه کردن<sup>۱</sup> یا هر چیزی است که از حقیقتش بازگردانده شود.<sup>۲</sup> دروغ را نیز به اعتبار وارونه ساختن حقیقت، «افک» گفته‌اند.<sup>۳</sup> برخی نیز آن را به معنای دروغ بزرگ و آشکار دانسته‌اند.<sup>۴</sup> در

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۱۸، «افک».

۲. مفردات، ص ۷۹-۸۰، المصباح، ج ۱، ص ۱۷، «افک».

۳. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۹۰؛ التحقيق، ج ۱، ص ۹۹، «افک».

۴. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۰۶؛ الکشاف، ج ۳، ص ۲۱۷؛ مجمع

البحرین، ج ۵، ص ۲۵۴، «افک».

اصطلاح تاریخ نگاران و سیره نویسان، «افک» برگرفته از آیات ۱۱-۱۲ نور/۲۴ و اشاره به داستان گروهی از مسلمانان در آغاز اسلام است که نسبتی ناروا به خانواده پیامبر ﷺ دادند و با انتشار آن خواستند به جامعه مسلمانان آسیب برسانند. قرآن کریم در آیات ۱۱-۲۱ نور/۲۴: ﴿إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ...﴾ به داستان آنان اشاره کرده، از مسلمانان می‌خواهد که آن را خیر بدانند. آن‌گاه یادآور می‌شود هر کس در این شایعه‌پردازی شرکت کرده، گناه خویش را به دوش می‌کشد و کیفر بزرگ از آن کسی است که سهم عمده در آن داشته است. سپس مردان و زنان مؤمن را به چند سبب نکوهش می‌کند؛ از جمله: گمان نیک نبردن به کسانی که بدان‌ها تهمت زده شد؛ دروغ و تهمت نشمردن داستان با نبود چهار شاهد؛ دامن زدن به شایعه و خبری که از آن آگاهی نداشتند؛ کوچک شمردن سخنانی که نزد خداوند بزرگ است؛ و خودداری نکردن از تهمت. آن‌گاه، به یاد می‌آورد که اگر فضل و رحمت و مهربانی خداوند در دنیا و آخرت نبود، عذابی بزرگ بر آنان نازل می‌شد. سپس هشدار می‌دهد که مبادا دیگر بار چنین کنند. کسانی که دوست دارند زشتی و فحشا را درباره مؤمنان پراکنند، به کیفری دردناک در دنیا و آخرت تهدید می‌شوند. مؤمنان نباید گام در راه شیطان نهند؛ زیرا او